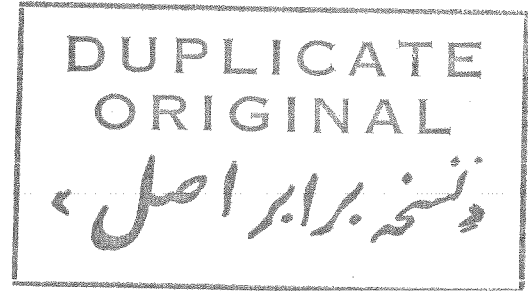


828-178

پرونده شماره ۸۲۸

شعبه یک

حکم شماره ۱-۸۲۸-۵۲۲



جنرال پتروکمیالز کورپوریشن،

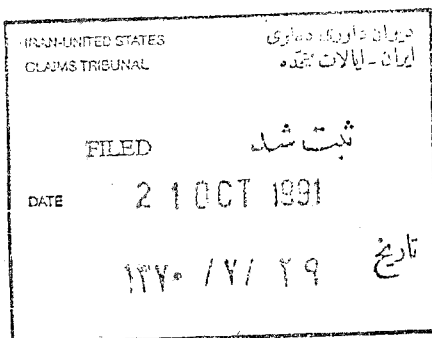
خواهان،

- و -

جمهوری اسلامی ایران،

کارخانجات تولیدی تهران و

گروه تولیدی تهران،



خوانندگان.

حکم

حاضران:

از جانب خواهان:

آقای استنلی اس. کتراف،

وکیل مشاور،

آقای حمید صبی،

همیار وکیل،

آقای جواخیم انگلندر،
نماینده خواهان،

آقای اریک سومر،
آقای رفیع اریه،
آقای حبیب اله رضوانی یوسف،
آقای عبدالمقیت یوسف زای،
آقای مسعود عاشریان،
آقای پیتر کروگن،
شاهدان.

از جانب خواندگان:

آقای علی حیرانی نوبری،
نماینده رابط دولت جمهوری اسلامی ایران،
دکتر علی اکبر ریاضی،
آقای محسن میرمحمدصادقی،
مشاوران حقوقی نماینده رابط،
آقای عباس اجتهادی،
دستیار حقوقی نماینده رابط،
آقای حیدری ملایر،
مدیرعامل کارخانجات تولیدی تهران،
آقای حسین طبایی،
نماینده گروه تولیدی تهران.

آقای موریس ئی. اف. فیتز موریس،
آقای صمد دیبا،

خانم مینو سلیمی ،
خانم بدری دلخور ،
آقای ریچارد دی. گینز ،
آقای ورژ توروسیان ،
شاهدان.

سایر حاضران:
خانم لوسی اف. رید ،
نماینده رابط دولت ایالات متحده امریکا ،
آقای مایکل اف. رابوین ،
قایم مقام نماینده رابط.

فهرست مطالب

شماره پاراگراف

۱	اول - تاریخچه شکلی رسیدگی
۲	دوم - واقعیات و اظهارات
	سوم - دلایل صدور حکم
۳۵	۱ - موضوعات شکلی
۴۲	۲ - صلاحیت
۵۴	۳ - هزینه‌ها
۵۵	چهارم - حکم

اول - تاریخچه شکلی رسیدگی

۱ - در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲]، خواهان جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن ("خواهان") دادخواستی علیه جمهوری اسلامی ایران ("ایران")، کارخانجات تولیدی تهران ("کارخانجات تولیدی") و گروه تولیدی تهران ("گروه تولیدی") به ثبت رساند. خواهان خواستار صدور حکمی است به مبلغ ۶،۵۹۰،۵۹۲/۹۵ دلار (۱) مشتمل بر ۶،۵۲۵،۳۳۹/۵۵ دلار بابت اصل مبلغ براتهایی که حسب ادعا من غیرحق پرداخت نشده‌اند، به علاوه مبلغ ۶۵،۲۵۳/۴۰ دلار، بابت یک درصد هزینه وخواست براتها که بنکرز تراست آ.ک. زوریخ (۲) بعد از عدم پرداخت ادعایی وجه براتها، به بانک صادرات و بانک داریوش پرداخته و خواهان آن را به بنکرز تراست بازپرداخت کرده است. علاوه بر این، خواهان خواستار حکم پرداخت سایر هزینه‌های بانکی، بهره مناسب و هزینه‌های داوری است. خواندگان به ادعاها ایراد گرفته و دعاوی متقابلی به مبالغ ۹،۷۷۰،۸۴۸/۰۷ دلار، ۱۰۵،۶۲۵/۱۷ مارک آلمان، ۱۲۵،۴۵۳/- فرانک بلژیک، ۲۰،۱۹۲/۳۴ فرانک فرانسه و ۶۰۳،۱۷۹،۹۲۲/- ریال اقامه می‌کنند. جلسه استماع پرونده در تاریخهای ۱۹ تا ۲۱ آذرماه ۱۳۶۹ [۱۰ تا ۱۲ دسامبر ۱۹۹۰] برگزار شد. پس از برگزاری استماع، خواهان در تاریخ ۲۴ بهمن‌ماه ۱۳۶۹ [۱۳ فوریه ۱۹۹۱]، با استناد به بند ۲ ماده ۲۹ قواعد دیوان، تقاضایی برای استماع مجدد پرونده به ثبت رساند. بند مزبور به دیوان اجازه می‌دهد در صورتی که به علت اوضاع و احوال استثنایی مقتضی بدانند،

(۱) در حکم حاضر هر جا به دلار اشاره شده منظور دلار امریکاست.

(۲) خواهان در لایحه استماع خود که در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [۳ مه ۱۹۸۹] به ثبت رسید، خواسته دعوا را به ۱۰،۳۵۴،۰۰۰/- دلار افزایش داد. این مبلغ حسب ادعا شامل ۶،۵۹۰،۵۹۲/۹۵ دلاری است که بدواً مطالبه شده بود، به علاوه ۵۷/۱ درصد به عنوان تعدیل بابت زیانهای حاصله از تورم در اثر گذشت زمان.

استماع پرونده را تجدید نماید. خواهان در تقاضای خود، همچنین از دیوان درخواست کرد که شورهای بعدی پرونده را تا تعیین تکلیف تقاضا، به حالت تعلیق درآورد. تقاضای مزبور هیچگونه مدرک و سندی به همراه نداشت. سپس، در ۳ خردادماه ۱۳۷۰ [۲۴ مه ۱۹۹۱] خواهان اظهاریه‌ای تحت عنوان "لایحه خواهان در تأیید تقاضای وی برای تجدید استماع به موجب بند ۲ ماده ۲۹ قواعد دیوان" ثبت نمود. در تاریخ ۱۷ مردادماه ۱۳۷۰ [۸ اوت ۱۹۹۱] خواندگان پاسخی به درخواست مزبور ثبت و تقاضا کردند که دیوان درخواست را رد کند. دیوان در بندهای ۳۶ تا ۴۱ تقاضای مزبور را مورد بررسی قرار خواهد داد.

دوم - واقعیات و اظهارات

۲ - خواهان در تأیید این ادعای خود که به مفهوم بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعای تبعه ایالات متحده است توضیح می‌دهد که در سال ۱۹۷۵، آقای جاکوب انگلندر، متوفی، پروانه اشتغال به تجارت برای انجام عملیات بازرگانی با نام مستعار "جنرال پتروکمیکالز" نزد منشی ناحیه نیویورک به ثبت رساند و از آن پس تحت همان نام و در دفتر واقع در شماره ۱، خیابان ۵۳ شرقی در ناحیه و ایالت نیویورک به آن تجارت اشتغال داشت. خواهان اظهار می‌دارد که جاکوب انگلندر، که در آلمان متولد شده بود، در ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ [۱۱ مه ۱۹۵۴] تابعیت ایالات متحده را کسب کرد و در همان تاریخ گواهینامه تابعیت اکتسابی به نام وی صادر شد. حسب ادعای جاکوب انگلندر به جاکوب جک انگلندر، جاکوب جواخیم انگلندر و جک انگلندر نیز شهرت داشته است. طبق ادعای تجارت یاد شده بعداً به اتفاق برادر زاده وی، جواخیم جک انگلندر، که ادعا می‌شود وی نیز به جواخیم جک انگلندر و جک انگلندر مشهور می‌باشد اداره می‌شد. در تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۳ ژوئیه ۱۹۷۹] شرکتی به نام جنرال پتروکمیکالز لیمیتد تشکیل شد، ولی طبق اظهار خواهان، از آنجا که به علت از قلم افتادن حرف "s" در انتهای کلمه

"petrochemical" اشتباهی در نام آن وجود داشت، در ۳ مردادماه ۱۳۵۸ [۲۵] ژوئیه ۱۹۷۹] تقاضایی برای اصلاح پروانه تاعسیس شرکت نزد اداره ثبت شرکتها در ایالت نیویورک ثبت شد که به موجب آن نام شرکت به "جنرال پتروکیمیکالز کورپوریشن" اصلاح شد. خواهان مضافاً اظهار می‌دارد که در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹] جاکوب انگلندر در عوض واگذاری کلیه عناوین [مالکانه] و منافع خود در داراییهای تجارت شخصی‌اش در جنرال پتروکیمیکالز به جنرال پتروکیمیکالز کورپوریشن، دو بیست سهم دریافت کرد. در ۲۹ تیرماه ۱۳۵۸ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹]، جاکوب انگلندر حسب ادعا به عنوان پاداش مشارکتهای برادر زاده‌اش، جواخیم، یکصد سهم خود در جنرال پتروکیمیکالز لیمیتد را به وی منتقل کرد. این سهام در ۱۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۳ اوت ۱۹۷۹] با یکصد سهم در جنرال پتروکیمیکالز کورپوریشن مبادله و مابقی سهام این شرکت به جواخیم منتقل گردید. خواهان اظهار می‌دارد که جواخیم متولد هلند بود و در ۲۵ آذرماه ۱۳۳۶ [۱۶ دسامبر ۱۹۵۷] به تابعیت ایالات متحده درآمد و حسب ادعا، از زمان بروز ادعا تا انعقاد بیانیه حل و فصل دعاوی مالک منحصر به فرد سهام شرکت خواهان بوده است. خواهان ادله و مدارکی برای اثبات اظهاراتش به ثبت رسانده است.

۳ - خواهان اظهار می‌دارد که گروه تولیدی و کارخانجات تولیدی واحدهای تحت کنترل ایران به مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی می‌باشند.

۴ - در توضیح پیشینه این پرونده، خواهان اظهار می‌دارد که قبل از صدور ۲۳ فقره براتی که موضوع ادعای حاضر است، بین جنرال پتروکیمیکالز ثبت نشده به صورت شرکت (که داراییهای آن حسب ادعا بعداً به خواهان منتقل شد) و کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی رابطه کاری نزدیکی وجود داشت. حسب ادعا، جنرال پتروکیمیکالز مواد خام از کلیه نقاط جهان غرب تهیه می‌کرد و آنها را مجدداً به کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی می‌فروخت و وجه لازم برای برخی از آن

معاملات را تأمین می‌کرد. دفتر مرکزی جنرال پتروکیمیکالز واقع در شماره ۱ خیابان ۵۳ شرقی در نیویورک در اختیار کلیه مقامات شرکتهای خواننده و به ویژه آقای رفیع اریه رئیس هیأت مدیره، رئیس و مدیرعامل آنها، قرار داشت.

۵ - در مورد تاریخچه نزدیک به دعوی حاضر، خواهان اظهار می‌دارد که در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ جنرال پتروکیمیکالز کالاهایی شامل مواد خام جهت استفاده در تولید پلاستیک و منسوجات به کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی فروخت. خواهان، مضافاً اظهار می‌دارد که این کالاها به شرکتهای نامبرده تحویل شد و با مشخصات مورد توافق طرفین مطابقت داشت. کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی قبول کردند که بهای آن کالاها را بپردازند و براتهایی را که در رابطه با آنها کشیده می‌شود پرداخت کنند. بنابراین، جنرال پتروکیمیکالز برای دریافت بهای کالاها، حسب ادعا ۲۳ فقره برات به نام کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی، و قابل پرداخت از طریق بانک صادرات یا بانک داریوش در تهران صادر کرد که به موجب آنها کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی ملزم شدند در برابر کالاهای دریافتی، مبالغ مندرج (در براتها) را به حواله کرد بانکرز تراست آ.گ. زوریخ، سویس جهت وصول و واریز به حساب جنرال پتروکیمیکالز پرداخت نمایند. مشخصات براتها به شرح زیر است:

شماره برات	براتگیر	تاریخ قبولی	سررسید پس از تمدید	مبلغ به دلار
۲۳،۲۱۵۷۳۱	کارخانجات تولیدی	۱۶ دیماه ۱۳۵۶ [۶ ژانویه ۱۹۷۸]	۲ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۳ مه ۱۹۷۹]	۶۸۷،۵۰۰/-
۲۳،۲۴۰۴۰۴	کارخانجات تولیدی	۷ تیرماه ۱۳۵۷ [۲۸ ژوئن ۱۹۷۸]	۲۸ خردادماه ۱۳۵۸ [۱۸ ژوئن ۱۹۷۹]	۱،۱۶۱،۰۰۰/-
۲۳،۲۴۰۴۶۵	کارخانجات تولیدی	۲۲ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸]	۲ تیرماه ۱۳۵۸ [۲۳ ژوئن ۱۹۷۹]	۷۴۸،۱۲۰/-

الف - بانک صادرات

۱۰۷،۰۰۰/-	۳ تیرماه ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئن ۱۹۷۹]	۱۳ مهرماه ۱۳۵۷ [۵ اکتبر ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۴۰،۵۰۷
۶۷،۰۶۷/۵۵	۷ تیرماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئن ۱۹۷۹]	۲۷ مهرماه ۱۳۵۷ [۱۹ اکتبر ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۴۰،۵۳۱
۳۱،۰۶۵/۶۶	۶ مردادماه ۱۳۵۸ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۹]	۲۸ مهرماه ۱۳۵۷ [۲۰ اکتبر ۱۹۷۸]	گروه تولیدی	۲۳،۲۴۰،۵۳۲
۱۲،۶۸۰/-	۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹]	۲۸ مهرماه ۱۳۵۷ [۲۰ اکتبر ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۴۰،۵۳۳
۶۴،۲۸۸/۹۵	۱۴ مردادماه ۱۳۵۸ [۵ اوت ۱۹۷۹]	۱۱ آبانماه ۱۳۵۷ [۲ نوامبر ۱۹۷۸]	گروه تولیدی	۲۳،۲۴۰،۵۲۹
۱۱۶،۳۷۵/-	۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۷ مه ۱۹۷۹]	۶ مردادماه ۱۳۵۶ [۲۸ ژوئیه ۱۹۷۷]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۱۵،۴۸۹
۱۹۲،۷۵۰/-	۴ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۵ مه ۱۹۷۹]	۲۰ مردادماه ۱۳۵۶ [۱۱ اوت ۱۹۷۷]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۱۵،۵۱۷
۱۲،۷۷۴/۴۰	۱۰ تیرماه ۱۳۵۸ [۱ ژوئیه ۱۹۷۹]	۲۲ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۴۰،۴۸۷
۳۲،۱۲۵/-	۱۲ خردادماه ۱۳۵۸ [۲ ژوئن ۱۹۷۹]	۲۲ شهریورماه ۱۳۵۷ [۱۳ سپتامبر ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۴۰،۴۸۸
۲۱۲،۰۰۰/-	۳۰ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۰ ژوئن ۱۹۷۹]	۲۹ تیرماه ۱۳۵۷ [۲۰ ژوئیه ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۲۳،۲۴۰،۴۱۶
۳۵،۵۱۶/۲۵	۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹]	۱۱ آبانماه ۱۳۵۷ [۲ نوامبر ۱۹۷۸]	گروه تولیدی	۲۳،۲۴۰،۵۳۰

ب - بانک داریوش

۱۳۲،۰۰۰/-	۱۱ خردادماه ۱۳۵۸ [۱ ژوئن ۱۹۷۹]	۳۰ تیرماه ۱۳۵۶ [۲۱ ژوئیه ۱۹۷۷]	کارخانجات تولیدی	۴،۶۵۵۷
۱،۱۴۱،۹۵۶/۷۵	۱۲ خردادماه ۱۳۵۸ [۲ ژوئن ۱۹۷۹]	۱۳ آبانماه ۱۳۵۶ [۴ نوامبر ۱۹۷۷]	کارخانجات تولیدی	۴،۶۸۴۱
۱۲۸،۵۰۰/-	۲ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۳ مه ۱۹۷۹]	۲۶ آبانماه ۱۳۵۶ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۷]	کارخانجات تولیدی	۴،۶۸۷۱
۱۳۷،۵۰۰/-	۲ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۳ مه ۱۹۷۹]	۲۶ آبانماه ۱۳۵۶ [۱۷ نوامبر ۱۹۷۷]	کارخانجات تولیدی	۴،۶۸۷۰

۵۹۲،۵۰۰/ـ	۱۸ خردادماه ۱۳۵۸ [۸ ژوئن ۱۹۷۹]	۲۸ آذرماه ۱۳۵۶ [۱۹ دسامبر ۱۹۷۷]	کارخانجات تولیدی	۴،۶۹۴۶
۲۹۵،۴۶۳/۷۰	۳۰ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۰ ژوئن ۱۹۷۹]	۱۴ فروردینماه ۱۳۵۷ [۳ آوریل ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۵،۷۳۵۱
۲۸۸،۹۷۸/۹۰	۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۷ مه ۱۹۷۹]	۱۲ خردادماه ۱۳۵۷ [۲ ژوئن ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۵،۷۵۷۲
۲۸۸،۹۷۸/ـ	۳ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۴ مه ۱۹۷۹]	۱۲ خردادماه ۱۳۵۷ [۲ ژوئن ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۵،۷۵۷۳
۷۹،۲۰۰/ـ	۱۶ خردادماه ۱۳۵۸ [۶ ژوئن ۱۹۷۹]	۳۰ خردادماه ۱۳۵۷ [۲۰ ژوئن ۱۹۷۸]	کارخانجات تولیدی	۴،۶۵۵۶

امضای براتکش روی براتها "ج. انگلندر" است. نسخ براتها، همراه با صورتحسابها و تعدادی بارنامه به عنوان مدرک ارائه شده است. براتها جهت واریسی در اختیار خوانندگان قرار گرفته و در جلسه استماع نیز به دیوان ارائه شدند.

۶ - خواهان مدعی است که کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی براتها را قبول کرده و پذیرفتند که مبلغ هر برات را در سر رسید اولیه آن بپردازند. وی ادعا می کند که قبولی توسط مدیران مجاز شرکتها نوشته شد و توسط بانک صادرات یا بانک داریوش نیز تأیید و گواهی گردید. پشت اکثر براتها شماره ای وجود دارد که بانک ایرانی ذیربط بعد از اخذ قبولی براتها از کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی، روی آنها قید کرده است. خواهان مضافاً ادعا می کند که بنا به درخواست کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی، سر رسید ۲۳ فقره برات تمدید گردید و یا برای مدتهای طولانی تری "به جلو برده شدند". حسب ادعا، هنگام تمدید سر رسید براتها، هر یک از شرکتهای خواننده براتها را مجدداً "قبول کرده و قبولی آنها حسب ادعا، مجدداً" توسط بانک ذیربط تأیید گردید. خواهان اظهار می دارد که حق تمبرهای مختلفی توسط سازمانهای ذیربط دولتی تعیین و وصول گردید. خواهان اظهار می دارد که در سر رسیدهای تمدید شده، بنکرز تراست آ.ب.گ. زوریک براتها را جهت وصول ارائه

کرد. خواهان استدلال می‌نماید که بنکرز تراست، که یک مؤسسه تابعه تماما" متعلق به بنکرز تراست، یک شرکت نیویورکی است، مطابق عرف معمول بانکداری به عنوان عامل وصول از طرف وی عمل می‌کرده است. برات‌ها در هنگام ارائه پرداخت نشدند. بانک‌های ایرانی و بنکرز تراست برات‌ها را واخواست کردند و جنرال پتروکمیکالز هزینه واخواستی به میزان یک درصد کل ارزش اسمی برات‌ها پرداخت کرد که از طریق بانک مرکزی ایران به خزانه‌داری کل ایران منتقل گردید. سپس، در تاریخ ۱۶ آذرماه ۱۳۵۸ [۷ دسامبر ۱۹۷۹]، حسب ادعاء بنا به درخواست جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن، بنکرز تراست یکایک ۲۳ فقره برات را به نام خواهان ظهنویسی کرده به خواهان تحویل داد تا وی بتواند برای وصول بروات در دادگاه بخش ایالات متحده، در ناحیه جنوبی نیویورک، اقامه دعوا نماید. خواهان اظهار می‌کند که وی همواره مالک و دارنده برات‌های پرداخت نشده بوده است.

۷ - در جلسه استماع، آقای پیتر کروگن کارشناس بین‌المللی امور بانکی به عنوان شاهد معرفی شده خواهان اظهار داشت که تا آنجا که وی می‌تواند قضاوت کند برات‌های مورد اختلاف، آنطور که از ظاهر آنها بر می‌آید، با آنچه که در تجارت بین‌المللی مورد استفاده است مطابقت دارند. آقای حبیب اله رضوانی یوسف، عضو سابق هیأت مدیره کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی، که در حال حاضر در خارج از ایران اقامت دارد، نیز به عنوان شاهد گواهی داد. وی با تأیید اظهارات مندرج در سوگندنامه خود اظهار کرد که امضای خود به عنوان قبولی نویس و نیز امضای سایر اعضای هیأت مدیره، از جمله آقای سعید کیوانشاد و آقای نعمت اله فقیه نصیری، را تشخیص می‌دهد. در پرونده، شهادتنامه‌ای به همین مضمون از آقای کیوانشاد موجود است. در جلسه استماع، خواهان همچنین آقای مسعود عاشریان، یکی از مدیران سابق کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی را، که از سال ۱۹۷۵ تا پایان سال ۱۹۷۹ در اداره ثبت واردات آن شرکتها کار می‌کرده، به عنوان شاهد معرفی نمود. آقای عاشریان اظهار داشت که کالاهای مربوط به ۲۳ فقره برات صحیحا"

وارد ایران شده بودند. خواهان، مضافاً آقای رفیع اریه را، که سابقاً دارنده اکثریت سهام کارخانجات تولیدی و مالک منحصر گروه تولیدی بوده، به عنوان یکی از شهود در جلسه استماع معرفی کرد. در رابطه با این اظهار خواهان در لوائح کتبی که در مواقعی وی کالاهایی را از فروشندگان مواد خام خریداری کرده و ترتیب خرید آن مواد را از طریق حساب بانکی سویسی تی اند تی انترپرایز می‌داده است، آقای اریه اطلاعاتی راجع به هویت تی اند تی در جلسه بیان کرد. وی اظهار داشت که "تی اند تی" مخفف "تکنولوژی اند ترید" [تکنولوژی و تجارت] می‌باشد و وی مالک اکثریت سهام آن بوده است. وی اضافه نمود که به علت کسالت آن سهام را به فرزندانش منتقل کرده است.

۸ - از آنجا که به نظر خواهان، خواندگان متعهد پرداخت مبلغ بروات می‌باشند، خواهان از دیوان تقاضا می‌نماید که حکمی به مبلغ ۶،۵۹۰،۵۹۲/۹۵ دلار به اضافه بهره و هزینه‌های متحمل در اقامه دعوی حاضر به نفع وی صادر نماید.

۹ - خواهان به نحو دیگری نیز دعوی خود را طرح و استدلال می‌نماید که وی تحت این فرضیه که بابت "کالای فروخته شده و تحویلی" باید وجه پرداخت گردد، مستحق دریافت غرامت است. وی مدعی است که ادعایش مبنی بر فروش و تحویل کالاها به کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی با صورتحسابها و سایر ادله مستند تأیید می‌شود.

۱۰ - علاوه بر این، خواهان استدلال خود را به نحو دیگری مطرح ساخته و اظهار می‌دارد که تحت فرضیه دارا شدن غیر عادلانه مستحق دریافت خسارت است و در تأیید استدلال خود به نتیجه‌گیری دیوان در حکم شماره ۲-۲۱۹-۳۵ مورخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۶۱ [۲۰ مارس ۱۹۸۳] صادره در پرونده بنجامین آر. ایسایاه و بانک ملت (جانشین بانک بین‌المللی ایران) (منتشره در Iran-U.S. C.T.R. p. 232-240) اشاره می‌نماید که در آن ادعایی

بابت دارا شدن غیر عادلانه بر مبنای اسناد بهادار پرداخت نشده مطرح شده بود.

۱۱ - خواندگان هم از نظر سمت و اهلیت خواهان و مالکیت ادعاء و هم از لحاظ ماهیت دعوی به اظهارات وی ایراد می‌گیرند. آنها استدلال می‌کنند که شرکت خواهان و نیز دعوای حاضر متعلق به آقای رفیع اریه است. آثان مضافاً می‌گویند که ۲۳ فقره برات در تاریخهای ادعایی در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸، صادر و قبول نشده و تمدید نگردیده‌اند، بلکه به عکس در اوایل سال ۱۹۷۹، که آقای اریه متوجه شد که دیگر نمی‌تواند در ایران فعالیت کند، متقلبانه تنظیم شده‌اند.

۱۲ - در رابطه با صلاحیت دیوان، خواندگان استدلال می‌کنند که ادله و مدارک مورد استناد خواهان نشان نمی‌دهند که طبق الزام بند ۱ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوای، یک نفر تبعه ایالات متحده در زمانی علایقی معادل یا بیش از پنجاه درصد سهام سرمایه‌ای در جنرال پتروکمیکالز، جنرال پتروکمیکال لیمیتد یا جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن دارا بوده است. خواندگان به اصالت نسخه گواهی شده پروانه تجاری که جزو مدارک خواهان است و در آن آمده است که جاکوب چک انگلندر تحت نام جنرال پتروکمیکالز تجارت می‌کرده، ایراد گرفته و در این رابطه به شهادتنامه مورخ ۱۶ آذرماه ۱۳۶۸ [۷ دسامبر ۱۹۸۹] آقای جیمز روزتی، معاون منشی ناحیه نیویورک استناد می‌کنند. آقای روزتی اظهار می‌دارد که در سال ۱۹۷۵ پروانه تجاری برای یک فعالیت ثبت نشده به صورت شرکت، به نام "جنرال پتروکمیکال"، به ثبت رسید، لکن اصل پروانه و کلیه اسناد و مدارک مربوط به جنرال پتروکمیکال

... از بایگانی ما خارج شده، مفقود یا جا جا گردیده یا به سرقت رفته است. علاوه بر این، صفحه حاوی نام جنرال پتروکمیکال و نام مالک جنرال پتروکمیکال در دفتر ثبت وقایع منشی ناحیه از جا کنده و برده شده است.

آقای روزتی می‌گوید که بنا بر این وی قادر نیست مندرجات اصل پروانه تجاری را تعیین یا تأیید نماید. خوانندگان توجه را به این واقعیت جلب می‌کنند که شهادتنامه آقای روزتی مربوط به واحدی است به نام "جنرال پتروکمیکال"، حال آنکه نسخه تأیید شده پروانه تجاری مورد استناد خواهان به جنرال پتروکمیکالز، با حرف s در آخر آن، مربوط می‌شود.

۱۳ - بنا به اظهار خوانندگان، اوضاع و احوال پرونده حاضر، نسخه پروانه تجاری مورد بحث را نیز غیر قابل پذیرش می‌سازد. آنان می‌گویند که جاکوب جک یا جک انگلندر هرگز مالک جنرال پتروکمیکالز ثبت نشده به صورت شرکت نبوده است، بلکه در واقع مالک اصلی آن تجارت آقای رفیع اریه بوده که می‌کوشد به دیوان القاء نماید که جنرال پتروکمیکالز واحدی تجاری می‌باشد که توسط یک نفر تبعه ایالات متحده اداره می‌شده است.

۱۴ - خوانندگان در تأیید این ادعای خود که جنرال پتروکمیکالز متعلق به جاکوب جک انگلندر نبوده، به بیانات آقای لی اچ. میلر در استشهاد [deposition] مورخ ۱۸ مردادماه ۱۳۵۸ [۹ اوت ۱۹۷۹] مربوط به دعوی بین کارخانجات تولیدی و دیاموند شمراک کورپوریشن در دادگاههای ایالات متحده استناد می‌نمایند که در آن، جنرال پتروکمیکالز و آقای اریه خوانندگان ثالث بودند. آقای میلر، برادر زن آقای اریه در آن زمان از مسئولین اگزیمپکو، یعنی شرکتی بود که از همان دفتر جنرال پتروکمیکالز واقع در شماره ۱ خیابان ۵۳ شرقی نیویورک استفاده می‌کرد. وی اظهار می‌دارد که جنرال پتروکمیکالز با آقای اریه مرتبط بود و "نامی بود که تحت آن 'ما' یعنی خودم، [و] احتمالاً" خانم الیزابت [روزنزواایگ، منشی آقای میلر]، و شاید افراد کارخانجات تولیدی تهران... راجع به قیمت [کالاها] کسب اطلاع می‌کردیم". خوانندگان به این واقعیت عطف توجه می‌کنند که هرچند آقای میلر آگاهی قابل ملاحظه‌ای از عملیات جنرال پتروکمیکالز از خود نشان می‌دهد معهدا

هرگز ذکری از نقش جاکوب جک انگلندر به میان نمی‌آورد. در این رابطه، خوانندگان به تعدادی اسناد ارائه شده به عنوان دلیل استناد می‌کنند که امضای آقای اریه از جانب جنرال پتروکمیکالز روی آنها دیده می‌شود. در برخی از این اسناد آقای اریه از گیرندگان (اسناد) خواسته است وجوهی از مطالبات جنرال پتروکمیکالز را به حسابهایی که به نام اوست واریز نمایند. خوانندگان همچنین به این واقعیت اشاره می‌کنند که در بررسی تمامی سوابق پرونده حاضر نتوانستند نامه‌ای به امضای جک انگلندر و یا به امضای هر یک از دو انگلندری که در پرونده حاضر نام برده شده‌اند، پیدا کنند.

۱۵ - در رابطه با ادله و مدارک تسلیمی خواهان راجع به هویت دو انگلندر، خوانندگان اظهار می‌دارند که اسناد هویت مورد بحث نشان می‌دهد که این دو انگلندر دو اسم کوچک متفاوت داشته‌اند. گواهی فوت آقای انگلندر که در ۹ دیماه ۱۳۵۹ [۳۰] دسامبر ۱۹۸۰] فوت کرده نشان می‌دهد که نام کوچک وی جاکوب بوده، در حالی که گواهینامه کسب تابعیت و فتوکپی گذرنامه انگلندر دیگر حاکی است که نام کوچک وی جواخیم است. بنابراین، خوانندگان استدلال می‌کنند که جاکوب جک یا جک انگلندر، مالک ادعایی شرکت خواهان، هیچیک از دو انگلندر مذکور نیست.

۱۶ - خوانندگان اظهار می‌دارند که جاکوب و جک انگلندر باید دو شخص متفاوت باشند. آنان به عنوان مدرک، نسخ "پروانه تجاری برای شرکا" و "گواهی توقف [عملیات] تجاری به صورت مشارکت" در رابطه با آلکوت بگ، دیگر تجارت ادعایی جاکوب انگلندر را که امضای وی روی آن است، ارائه نموده‌اند. خوانندگان خاطرنشان کردند که امضای روی این پروانه‌ها هیچ مشابهتی با امضای جک انگلندر در پروانه تجاری جنرال پتروکمیکالز و یا با امضای وی روی براتها ندارد.

۱۷ - خوانندگان در تأیید این ادعای خود که جاکوب انگلندر، عمود در فعالیت تجاری

جنرال پتروکمیکالز مداخله‌ای نداشته، به سوگندنامه مورخ ۱۸ مهرماه ۱۳۶۸ [۱۰] اکتبر ۱۹۸۹] خانم استر بیگر، دختر جاکوب انگلندر استناد می‌نمایند. نامبرده اظهار می‌دارد:

من با فعالیتهای تجاری پدرم قبل از فوت وی آشنایی زیاد داشتم. وی مغازه کیف فروشی کوچکی داشت. لکن، به دلیل بیماری متجاوز از پنج سال قبل از فوتش [دیگر] کار نمی‌کرد... پدر من هرگز علایقی در شرکت موسوم به جنرال پتروکمیکال کورپوریشن در نیویورک نداشته و هرگز برای این شرکت کار نکرده است... پدرم بدون وصیت نامه فوت کرد... از آنجا که پدر من بدون هیچگونه دارایی مهمی فوت نمود، حصر وراثت رسمی نسبت به ماترک وی به عمل نیامد.

معدلک، خانم بیگر در شهادتنامه بعدی مورخ ۸ دیماه ۱۳۶۸ [۲۹ دسامبر ۱۹۸۹] خود، که توسط خواهان ارائه شده، اظهار می‌دارد که چون با پسر عموی خود جک انگلندر میانه‌ای نداشت، پدرش او را در جریان رابطه تجاری خود با فامیلش قرار نداده بود،

زیرا، تصور می‌کنم که چون پدرم می‌دانست با این خویشاوند میانه خوبی ندارم، [احتمال می‌داد] رابطه تجاری بین پدرم و جک انگلندر را تأیید نخواهم کرد... چنین پیداست که وی این رابطه تجاری بین خود و جک انگلندر را از من پنهان نگاه داشته بود.

۱۸ - خوانندگان همچنین استدلال می‌کنند که این واقعیت که آقای جاکوب انگلندر، طبق اظهار دخترش خانم بیگر در هر دو شهادتنامه، در اواسط دهه ۱۹۷۰ سخت بیمار شد این ادعا را در معرض تردید جدی قرار می‌دهد که جاکوب انگلندر در آن زمان دست به عملیات تجاری چند میلیون دلاری مثل جنرال پتروکمیکالز زده باشد. خوانندگان در تأیید بیشتر این استدلال خود که جاکوب انگلندر در جنرال پتروکمیکالز مداخله‌ای نداشته، ادعا می‌کنند که غیر قابل تصور است که وی سهام یک شرکت چند میلیون دلاری را به برادرزاده‌اش منتقل کرده، و لیکن بطوری که خانم بیگر در نخستین شهادتنامه‌اش اظهار کرده، در زمان فوت مایملک قابل ملاحظه‌ای از خود باقی نگذاشته باشد.

۱۹ - خوانندگان همچنین اظهار می‌نمایند که در نسخه تأیید شده پروانه تجاری جنرال پتروکمیکالز که توسط خواهان ارائه شده، راجع به اینکه کدام انگلندر مالک ادعایی جنرال پتروکمیکالز بوده است، تناقض وجود دارد. آقای اریک سومر، دفتردار رسمی در شهادتنامه مورخ ۱۱ خردادماه ۱۳۶۹ [۱ ژوئن ۱۹۹۰] خود اظهار می‌دارد که شخصی که پروانه تجاری را امضا کرده، جاکوب جواخیم انگلندر بوده که به جک انگلندر نیز شهرت داشته است. ولی اسمی که در پروانه تجاری نوشته شده "جاکوب جک انگلندر" است.

۲۰ - خوانندگان، طی استدلال دیگری در رابطه با هویت و ماهیت جنرال پتروکمیکالز ثبت نشده به صورت شرکت و جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن اظهار می‌کنند که جنرال پتروکمیکالز که در شماره ۱ خیابان ۵۳ شرقی نیویورک فعالیت داشته در واقع دفتر نمایندگی جنرال پتروکمیکالز آنتالت بوده که در لیختن اشتاین به ثبت رسیده است. آنان به شهادتنامه مورخ ۱۳ خردادماه ۱۳۶۹ [۳ ژوئن ۱۹۸۰] آقای رفیع اریه که در جریان دعوی بین کارخانجات تولیدی و دیاموند شمراک کورپوریشن در دادگاه بخش ایالات متحده در ناحیه جنوبی نیویورک ثبت شده، اشاره می‌نمایند. در این شهادتنامه آقای اریه اظهار کرده است که

در آن زمان، جنرال پتروکمیکالز، به نشانی شماره ۱ خیابان ۵۳ شرقی نیویورک... دفتر نمایندگی جنرال پتروکمیکالز آنتالت به نشانی آئولن اشتراسه شماره ۷۴، لیختن اشتاین، وادوز بود.

همچنین طی اظهارنامه‌ای دوجانبه که در همان دعوی در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۱۹ مه ۱۹۸۱] بین آقای جوزف مندل وکیل جنرال پتروکمیکالز آنتالت از یکسو و وکلای کارخانجات تولیدی از سوی دیگر تنظیم شد، آمده است که جنرال پتروکمیکالز آنتالت، مشهور به جنرال پتروکمیکالز نیز می‌باشد. خوانندگان، مضافاً

به اظهاریه‌ای [برای مطالبه محکوم به] که در همان دعوی به ثبت رسیده اشاره می‌کنند که به موجب آن جنرال پتروکمیکالز آنشالت لیختن اشتاین عواید دعوایی را مطالبه می‌نماید که به همین ۲۳ فقره برات مورد اختلاف در پرونده حاضر مربوط می‌شود. اظهاریه مزبور به امضای همان آقای مندل می‌باشد. علاوه بر این، در اصلاحیه دادخواست مربوط به دعوی دیگری در دادگاه بخش ایالات متحده، ناحیه جنوبی نیویورک، که توسط کارخانجات تولیدی تهران علیه آی‌سی‌دی کورپوریشن و یونیون کارباید کورپوریشن اقامه گردیده و در آن جنرال پتروکمیکالز خوانده دیگر [پرونده] بود، دادگاه اعلام داشت:

براساس اطلاعات و اعتقاد، خواننده دیگر [یعنی] جنرال پتروکمیکالز شرکتی است که تحت قوانین کشور لیختن اشتاین تأسیس شده است.

۲۱ - علاوه بر این، خوانندگان در تأیید این استدلال که خواهان صرفاً دفتر نمایندگی جنرال پتروکمیکالز آنشالت بوده است، به نامه‌های مورخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۰ مه ۱۹۷۹] دفتر حقوقی دکتر کردستانی و شرکاء واقع در تهران به عنوان بانک داریوش و بانک صادرات، اشاره می‌نمایند. در این نامه‌ها قید شده که بروات موضوع اختلاف در پرونده حاضر توسط جنرال پتروکمیکالز آنشالت صادر شده است. آقای ورژ توروسیان، از شرکای مؤسسه حقوقی کردستانی به عنوان شاهد معارض در جلسه استماع گواهی داد که وی با این برات‌ها آشنایی دارد. نامبرده اظهار داشت که به اعتقاد وی براتکش این برات‌ها جنرال پتروکمیکالز آنشالت بوده است، زیرا وی تلکسی از وکیلی به نام دکتر هانس هاسی دریافت کرده بود که طی آن از وی تقاضا شده بود برات‌ها را [جهت وصول] تسلیم و هرگونه عدم پرداختی را از طرف جنرال پتروکمیکالز آنشالت وخواست نماید. نامبرده، همچنین اظهار داشت که امضای روی نامه‌های مورخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۰ مه ۱۹۷۹] ارسالی به دو بانک یاد شده متعلق به اوست.

۲۲ - خوانندگان همچنین به این ادعای خواهان ایراد می‌گیرند که فعالیت مورد بحث ابتدا تحت نام جنرال پتروکمیکالز لیمیتد در ۲۲ تیرماه ۱۳۵۸ [۱۳ ژوئیه ۱۹۷۹] و سپس، چندی بعد در همان ماه، تحت نام جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن ثبت شده بود و استدلال می‌کنند که ادله و مدارکی که خواهان در این رابطه تسلیم کرده احراز می‌کند که گواهیهای سهام در تاریخهای ادعایی منتشر نشده و لذا ساختگی می‌باشند.

۲۳ - خوانندگان بحث صلاحیتی دیگری به میان آورده استدلال می‌کنند که هنگام بروز ادعاها بنکرز تراست آ.گ. زوربخ مالک براتها بوده و خواهان ثابت نکرده است که بانک مزبور تبعه ایالات متحده است. خوانندگان در این مورد یادآور شده‌اند که طبق بند ۲ ماده ۷ بیانیه حل و فصل دعاوی، دیوان صلاحیت رسیدگی ندارد مگر اینکه ادعا از تاریخ بروز تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] متعلق به یکی از اتباع ایالات متحده بوده باشد. اولاً خوانندگان نمی‌پذیرند که بنکرز تراست آ.گ. را باید به عنوان عامل وصول و بنابراین کارگزار خواهان تلقی کرد و در نتیجه استدلال می‌کنند هنگامی که دعوا حسب ادعا به وجود آمد، یعنی در فاصله بین ۲ خردادماه ۱۳۵۸ [۲۳ مه ۱۹۷۹] و ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹] که ۲۳ فقره برات پرداخت نشدند، براتها متعلق به بنکرز تراست آ.گ. بوده و تا ۱۶ آذرماه ۱۳۵۸ [۷ دسامبر ۱۹۷۹] در وجه جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن ظهرنویسی نشده بودند. همین که بنکرز تراست آ.گ. در زمانی طی دوره ذریبط مالک ادعا شده باشد، تابعیت وی با مسئله صلاحیت ارتباط پیدا می‌کند. خوانندگان استدلال می‌کنند که خواهان در واقع هیچ مدرکی برای اثبات اینکه بنکرز تراست آ.گ. به مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه ایالات متحده می‌باشد ارائه نکرده است و بنابراین دعوا باید رد شود.

۲۴ - خوانندگان همچنین دعوا را در ماهیت مردود دانسته و استدلال می‌کنند که به علت [وقوع] تقلب برات‌ها قابل ترتیب اثر و تعقیب نیستند. خوانندگان نمی‌پذیرند که برات‌ها طبق ادعاهای خواهان در جریان عادی کار در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ صادر و قبول شده باشند و اظهار می‌دارند که تمامی ۲۳ فقره برات در اوایل ۱۹۷۹ و در زمان انقلاب ایران، که آقای رفیع اریه فکر کرد دیگر نمی‌تواند مالکیت کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی را حفظ کند، ساخته شده‌اند. طبق اظهار خوانندگان، همین امر روشن می‌کند که چرا خواهان نتوانسته هیچیک از مکاتبات مربوط را در تأیید ادعایش ارائه دهد، و اظهار داشته است که کلیه اینگونه اسناد و مدارک باید در اختیار بانکهای ایرانی و خوانندگان باشد.

۲۵ - خوانندگان اظهار می‌دارند که برات‌ها ابتدا در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [مه ۱۹۷۹] و در محلی خارج از ایران تنظیم سپس توسط آقای عبدالمقیت یوسف زای، از مدیران وقت کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی و آقای لوباء از کارمندان بنکرز تراست آ.گ. زوریخ به ایران آورده شدند. نامبردگان برات‌ها را به خانم خواجه نصیری، منشی آقای اریه دادند تا امضاهای لازم مقامات مجاز شرکت را بگیرد. پس از اینکه آن امضاها گرفته شد برات‌ها به دفتر وکالت دکتر کردستانی تسلیم شدند تا به بانک داریوش و بانک صادرات ارائه شوند. خوانندگان مدعی هستند که برخلاف ادعاهای خواهان، مهر و شماره‌های بانکی و تمبر مالیاتی که یا روی برات‌ها و یا در ظهر آنها دیده می‌شود بعد از وصول آنها توسط بانک در ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۰ مه ۱۹۷۹] زده شده است. خوانندگان برای تأیید اظهارات خود به شهادتنامه آقای ابراهیم تجویدی حسابدار رسمی که در سالهای بین ۱۹۸۶ تا پایان ۱۹۸۹ برای اظهار نظر تخصصی در دعاوی حقوقی خارجی در استخدام کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی بوده استناد کرده‌اند.

۲۶ - آقای تجویدی در شهادتنامه‌اش، از تحقیقات خود درباره براتها و معاملات زیربنائی آنها گزارشی داده و اظهار داشته که برای یافتن اسناد و مدارک مربوط به معاملات زیربنائی براتها در پرونده‌های کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی با مشکلات فراوانی مواجه شد و بنابراین تصمیم گرفت با دو نفر از مقامات سابق کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی یعنی آقای فقیه نصیری و یوسف زای ملاقات کند. وی اظهار کرده است که آقای نصیری که تاعیید کرد فقط روی براتها را در اوایل ۱۹۷۹ برای قبولی آنها امضاء کرده بود، امضای ظهر براتها را تکذیب کرد و تاعکید نمود که امضای وی در ظهر براتها باید جعل شده باشد. در پرونده شهادتنامه جداگانه‌ای از آقای نصیری به همین مضمون وجود دارد. آقای یوسف زای به آقای تجویدی گفته است که براتها را خود وی و آقای اریه در اوایل ۱۹۷۹ صادر کردند و روی صورتحسابها تاریخ مقدم‌تری گذاردند. آقای یوسف زای همچنین اظهار داشت که آقای اریه براتها را به نام جی. انگلندر امضا کرده بود.

۲۷ - خواهان در پاسخ، آقای یوسف زای را به عنوان شاهد معرفی کرد. وی ادعا کرد که اغلب اظهاراتش در گزارش آقای تجویدی مخصوصاً اظهارات مربوط به مالکیت جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن و ماهیت تقلبی براتها، صحیح نیست. وی گفت که آن مطالب را بعد از آنکه کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی، به عنوان بخشی از ترتیبات راجع به یاری دادن وی به آن شرکتها در دعاوی خارجی آنها و پیدا کردن اموال و وصول مطالبات آنها در خارج از ایران، به وی وعده پرداخت پول دادند، ابراز کرده است. ترتیبات مزبور به موقع اجرا در نیامد.

۲۸ - خواندگان در تاعیید بیشتر استدلال خود مبنی بر تقلبی بودن براتها خاطر نشان می‌سازند که آقایان کیوانشاد و نصیری، مدیران سابق کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی در شهادتنامه‌های خود که مورد استناد خواهان است اشعار داشته‌اند که به عنوان مدیران مجاز براتها را امضاء کرده‌اند ولی از ذکر تاریخ امضای براتها

خودداری نموده‌اند. در شهادتنامه دیگری که مورد استناد خوانندگان است خانم بدری دلخور معاون اداره ارز بانک ملت (جانشین بانک داریوش) اشعار داشته است که طبق مدارک موجود در بانک، براتها اولین بار در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۰ مه ۱۹۷۹] از طریق دارالوکاله دکتر کردستانی برای بانک داریوش ارسال شدند. خانم دلخور به عنوان شاهد در جلسه استماع حضور یافت و صحت اظهارات مندرج در شهادتنامه خود را تأیید کرد. در جلسه استماع، آقای صمد دیبا کارمند اداره ارز بانک داریوش نیز به عنوان شاهد گواهی داد که فقط در ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۰ مه ۱۹۷۹] براتها از دفتر حقوقی کردستانی [به بانک] واصل شدند. علاوه بر آن، خانم مینو سلیمی، کارمند اداره بین‌المللی بانک صادرات در جلسه استماع شهادت داد که بانک صادرات نه فقره برات و نامه دفتر حقوقی کردستانی همراه با نامه دیگری از بنکرز تراست زوریخ را تا پیش از تاریخ ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ [۲۰ مه ۱۹۷۹] دریافت نکرده بود.

۲۹ - خوانندگان استنادات خواهان به فرضیه‌های دارا شدن غیر عادلانه و "کالای فروخته و تحویل شده" را مورد ایراد قرار داده استدلال می‌کنند که این فرضیه‌ها مبانی جدیدی برای ادعا می‌باشد که فقط در لایحه استماع ثبت شده در ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۸ [۳ مه ۱۹۸۹] مطرح شده‌اند فلذا در حکم اصلاحیه‌های غیر مجاز می‌باشند. خوانندگان استدلال می‌کنند که در هر حال، در دعاوی نظیر دعاوی حاضر که سبب دیگری برای دعوا وجود دارد دادخواهی تحت عنوان دارا شدن غیر عادلانه امکان پذیر نیست.

۳۰ - در مورد فرضیه دیگر خواهان مبنی بر اینکه چون "کالا فروخته و تحویل شده" تعهد پرداخت ایجاد گردیده است، خوانندگان قبول ندارند که قرارداد فروشی بین طرفین منعقد شده است و متذکر می‌شوند که خواهان هیچ سفارش خریدی که از طرف خوانندگان به عنوان وی صادر شده باشد یا اسناد دیگری که حاکی از ایجاب خواهان

و قبول خوانندگان در مورد کالاهای موضوع ۲۳ فقره برات باشد ارائه نکرده است. خوانندگان همچنین اظهار می‌دارند که خواهان نتوانسته است ثابت کند که فروشنده یا تأمین کننده اعتبار [خرید] کالاها بوده است. خوانندگان ادله مستندی ارائه نموده‌اند تا نشان دهند که در همان زمان سفارشهای خریدی برای همین کالاها به فروشندگان دیگری داده شده و با آن فروشندگان شرایط پرداخت متفاوتی، یعنی از طریق اعتبار اسنادی، مورد موافقت قرار گرفته بود. همچنین ادله‌ای ارائه شده که نشان می‌دهد که به فروشندگان مزبور پرداختهایی صورت گرفته بود.

۳۱ - گذشته از این، طبق شهادتنامه‌های دو نفر از مقامات جنرال پتروکمیکالز، که خوانندگان به عنوان مدرک ارائه داده‌اند، جنرال پتروکمیکالز کاری افزون بر اخذ پیشنهاد قیمت از طرف کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی انجام نمی‌داد. در این مورد خوانندگان به ویژه به اظهارات آقای لی ام. میلر، در استشهاد وی در دعوی بین کارخانجات تولیدی و دیاموند شمراک کورپوریشن (بند ۱۴ فوق) و اظهارات مندرج در گواهی خانم الیزابت جی. روزنزوایک در همان دعوا استناد می‌کنند.

۳۲ - در مورد معاملاتی که حسب ادعا زیربنای براتها بوده‌اند آقای موریس ئی. اف. فیتزموریس، متخصص امور بین‌المللی بانکی و یکی از شهود خوانندگان در جلسه استماع شهادت داد و اظهار نمود که پس از بررسی مدارک پرونده حاضر، به این نتیجه رسیده است که جنرال پتروکمیکالز هیچگاه این کالاها را خریداری نکرده بود. وی با نظر آقای تجویدی مذکور در شهادتنامه‌اش موافقت داشت که جنرال پتروکمیکالز در واقع نقشی در معاملات کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی، از یک طرف، و فروشندگان مواد خام، از طرف دیگر، نداشته است. وی همچنین اظهار داشت که هیچ دلیلی مشاهده نکرده است که نشان دهد براتها در همان موقعی که حسب ادعا صادر شده‌اند وجود داشته‌اند.

۳۳ - خوانندگان نتیجه می‌گیرند که دعوی حاضر به علت عدم صلاحیت دیوان غیر قابل استماع و در هر حال، بی اساس می‌باشد و درخواست می‌کنند که ادعا به علت ماهیت متقابلانه‌اش رد شود. آنها همچنین تقاضا دارند که دیوان حکمی بابت هزینه‌های حقوقی و حق‌الوکاله معقول که در دفاع از دعوا متحمل شده‌اند به نفع آنان صادر نماید.

۳۴ - کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی دعاوی متقابلی علیه جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن و آقای رفیع اریه که طبق ادعای خوانندگان متضامنا" مسئول خسارات وارده به این دو شرکت می‌باشند طرح کرده‌اند. نام آقای اریه با این استدلال جزء خوانندگان متقابل ذکر شده که وی حسب ادعا مالک جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن است. مبلغ ادعاهای متقابل در لایحه ثبت شده در تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۶۹ [۱۲] دسامبر ۱۹۹۰] مشخص شده و جمعا" بالغ بر ۹،۷۷۰،۸۴۸/۰۷ دلار به علاوه ۱۰۵،۶۵۲/۱۷ مارک آلمان و ۱۲۵،۴۵۳/- فرانک بلژیک و ۲۰،۱۹۲/۳۴ فرانک فرانسه و ۶۰۳،۱۷۹،۹۲۲/- ریال می‌باشد. دعوی متقابل مبتنی بر ادعای گران فروشی کالاهای موضوع معاملات قبلی توسط خوانندگان متقابل و برای استرداد مبالغی که حسب ادعا بابت خسارت وارد به کالا به حساب آقای اریه در آلمان واریز شده و نیز بابت بازپرداخت بدهی ادعایی آقای اریه به کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی و چند قلم دیگر می‌باشد. خواهانهای متقابل در تأیید ادعای خود به گزارشهای حسابرسی کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی برای سال مالی مختوم به آخر اسفندماه ۱۳۵۸ [۲۰ مارس ۱۹۸۰] استناد می‌کنند که خواهان به عنوان دلیل تسلیم نموده است.

سوم - دلایل صدور حکم

۱ - موضوعات شکلی

۳۵ - خواهان پس از انقضای مهلت‌های مقرر برای تبادل لوایح، درخواست کرد لوایح دیگری به ثبت رساند. خواندگان به قابلیت پذیرش چنین لوایحی اعتراض کردند. دیوان طی دستورهای مورخ ۴ و ۲۶ مهرماه ۱۳۶۹ [۲۶ سپتامبر و ۱۸ اکتبر ۱۹۹۰] توزیع اسنادی را که دیر به ثبت رسیده بود مجاز دانست و اشعار داشت که درباره قابلیت پذیرش آنها، بعد از جلسه استماع تصمیم خواهد گرفت. دیوان طی دستورهای فوق‌الذکر از خواندگان درخواست کرد که درباره لوایح خواهان، در جلسه استماع شفاها" یا کتبا" اظهار نظر کنند. لوایحی که خواهان دیر به ثبت رساند عبارتند از "لایحه معارض تکمیلی و سایر ادله مستند" که در ۱۶ مهرماه ۱۳۶۹ [۸ اکتبر ۱۹۹۰] به ثبت رسیده، لایحه‌ای تحت عنوان "فهرست اسنادی که قبلاً" از قلم افتاده و سایر اسنادی که خواهان در جلسه استماع این دعوا به آنها استناد خواهد کرد" ثبت شده در ۲۶ مهرماه ۱۳۶۹ [۱۸ اکتبر ۱۹۹۰]، و چند سند دیگر که در ۱۸ آبانماه ۱۳۶۹ [۹ نوامبر ۱۹۹۰] به ثبت رسیده و حسب اظهار در لایحه معارض تکمیلی خواهان بدانها اشاره شده است. خواندگان در جلسه استماع، لایحه‌ای تحت عنوان "اظهار نظر درباره اسناد خارج از موعد خواهان، در اجرای دستورهای دیوان (به شرح فوق)" به ثبت رساندند. این لایحه در ۲۱ آذرماه ۱۳۶۹ [۱۲ دسامبر ۱۹۹۰] ثبت شد. دیوان ملاحظه می‌نماید که هر دو طرف در جلسه استماع موافقت کردند که اسناد خارج از موعد طرفین جزء^۶ سوابق پرونده حاضر منظور گردد.

۳۶ - به طوری که در بند ۱ فوق آمده است، خواهان در ۳ خردادماه ۱۳۷۰ [۲۴ مه ۱۹۹۱] یعنی بیش از پنج ماه پس از پایان جلسه استماع تذکریه‌ای تسلیم و طی

آن خواستار رسیدگی مجدد شد. دیوان قبل از پرداختن به سایر موضوعات پرونده حاضر، به این مطلب خواهد پرداخت که آیا می‌تواند با توجه به قواعد و رویه معمول خود با درخواست خواهان موافقت کند یا خیر. خواهان در تذکریه‌اش استدلال کرده که شرایط استثنایی این پرونده طبق بند ۲ ماده ۲۹ قواعد دیوان تجدید استماع را ایجاب می‌نماید. ماده مزبور به شرح زیر اشعار می‌دارد:

دیوان داوری می‌تواند در صورتی که تحت شرایطی استثنایی مقتضی بداند، خواه بنا به تشخیص خود و خواه بنا به درخواست طرفها، جلسات استماع را در هر زمانی قبل از صدور حکم دوباره بگشاید.

۳۷ - ادعای اولیه خواهان در مورد اوضاع و احوال استثنایی مبتنی بر این باور خواهان است که خواندگان با طرح ادعای تقلب بر این محور که دعوی مبتنی بر براتها متقلبانه بوده، دیوان را گمراه کرده‌اند. خواهان در تأیید این اظهار، شهادتنامه‌ای از آقای نعمت‌اله فقیه نصیری (بنگرید به: بندهای ۷ و ۲۶ فوق)، که حسب ادعا پس از عزیمت وی از ایران در ژانویه ۱۹۹۱ در خارج از ایران تهیه شده، به عنوان ضمیمه تذکریه خود تسلیم کرده است. علاوه بر آن، خواهان اجازه می‌خواهد اسناد دیگری درباره مالکیت و تابعیت جنرال پتروکمیکالز آشتالت، که طبق اظهار وی در بایگانی جوزف مندل، وکیل، پیدا شده‌اند، تسلیم نماید. خواهان همچنین از دیوان درخواست می‌کند که به طرفین دستور دهد باتوجه به مدارک جدیدی که ارائه نموده است، لوایح دیگری به ثبت رسانند.

۳۸ - خواندگان در پاسخ به درخواست خواهان، جوابیه‌ای در تاریخ ۱۷ مردادماه ۱۳۷۰ [۸ اوت ۱۹۹۱] به ثبت رسانده اظهار داشتند که خواهان نتوانسته است ثابت کند که سندی از اسناد ارائه شده توسط خواندگان نادرست بوده و یا اوضاع و احوال استثنایی در توجیه درخواست تجدید استماع وجود دارد. در مورد مدارک مربوط به وضعیت جنرال پتروکمیکالز آشتالت، خواندگان به این واقعیت اشاره می‌کنند که

بیشتر مدارکی که خواهان همراه درخواست خود تسلیم کرده، به ویژه مدارک مربوط به تأسیس و انحلال جنرال پتروکمیکالز آنشتالت قبلا" توسط خوانندگان به ثبت رسیده بودند. خوانندگان همچنین به شهادتنامه‌های آقای فقیه نصیری اشاره می‌کنند که به عنوان بخشی از مدارک خود ارائه کرده‌اند، زیرا حسب اظهار خوانندگان، مطالب مندرج در آن شهادتنامه‌ها را نامبرده در شهادتنامه جدید خود تکذیب نکرده است. به علاوه، خوانندگان دو شهادتنامه، یکی توسط آقای عباس شیرین بیان، مشاور حقوقی و کارمند بنیاد مستضعفان و دیگری توسط آقای فریدون موعنی، رئیس بخش بیانیه‌های الجزیره در دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی دولت جمهوری اسلامی ایران، در تأیید استدلالات خود به ثبت رسانده‌اند.

۳۹ - دیوان ابتدا به درخواست خواهان راجع به تجدید استماع به منظور رسیدگی به ادعاهای مندرج در شهادتنامه آقای نصیری مبنی بر اینکه خوانندگان دیوان را در موضوعات مربوط به ماهیت پرونده گمراه کرده‌اند می‌پردازد. به دلایل مذکور در بندهای ۴۲-۵۲ زیر، دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعا باید به لحاظ فقد صلاحیت رد شود. بنابراین دیوان ضروری نمی‌داند که وارد رسیدگی به هیچیک از موضوعات ماهوی پرونده، از جمله ادعای تقلب آمیز بودن دعوا و لذا درخواست خواهان برای تجدید استماع براساس اظهارات مندرج در شهادتنامه آقای نصیری، که کلیه آنها منحصرًا" مربوط به مسایل ماهوی است، بشود.

۴۰ - مبنای دیگر درخواست خواهان برای تجدید استماع این است که دیوان بتواند به اسنادی که بعد از ختم استماع تسلیم شده رسیدگی کند، که ظاهراً" نشان می‌دهند که جنرال پتروکمیکالز آنشتالت تحت تملک و کنترل یکی از انگلندرها بوده است. موضوع رابطه جنرال پتروکمیکالز آنشتالت با دعوی حاضر توسط خوانندگان و در لوایحی که مدتها قبل از استماع تسلیم شده بود مطرح گردیده، به طوری که خواهان قبل از جلسه استماع از ارتباط و اهمیت هر مدرکی که می‌توانست مالکیت

آن شرکت را روشن کند آگاه بود. اسنادی که خواهان پس از اینهمه تاخیر درخواست می‌کند دیوان مورد رسیدگی قرار دهد، یا مدارکی هستند که از قبل در سوابق پرونده حاضر موجود بوده‌اند، از قبیل اسناد ثبت شرکت (رجوع شود به: بند ۴۴ زیر)، و یا حسب اظهار از بایگانی آقای جوزف مندل به دست آمده‌اند و نامبرده وکیلی است که طبق مدارک موجود از مدت‌ها پیش دست اندر کار امور مربوط به معاملات مبنای ادعای حاضر بوده است. رجوع شود به: بند ۲۰ فوق. به علاوه ادله نشان می‌دهد که آقای مندل به عنوان وکیل مشاور از طرف هر دو شرکت جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن و جنرال پتروکمیکالز آنشتالت عمل می‌کرد. رجوع شود به: بندهای ۴۶ و ۵۱ زیر. اماره‌ای در دست نیست که نشان دهد بایگانی آقای مندل در تمام مدتی که خواهان لوایح مربوط به این پرونده را آماده می‌کرد در اختیار خواهان نبوده است. مهمتر اینکه خواهان در درخواست تجدید استماع هیچگونه توضیحی ارائه نمی‌دهد که چرا اسنادی را که در بایگانی یکی از وکلای خود داشته به موقع تسلیم نکرده است. مضافاً، دیوان ملاحظه می‌کند که اسناد جدید هیچگونه ارتباطی با تصمیم دیوان درباره صلاحیت نسبت به این پرونده ندارد. وضعیت جنرال پتروکمیکالز آنشتالت هرچه باشد، این جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن، شرکت نیویورکی، است که از ابتدای رسیدگی پرونده حاضر در این دیوان و از هنگامی که دادخواست آن در ۲۹ دیماه ۱۳۶۰ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۲] به ثبت رسید خواهان پرونده بوده، نه جنرال پتروکمیکالز آنشتالت، که در لیختن اشتاین به ثبت رسیده و نه هیچیک از انگلندرها. خواهان هم هرگز ادعا نکرده بود که جنرال پتروکمیکالز آنشتالت در زمانی مالک ادعا بوده است.

۴۱ - علاوه بر اینها، نظم جریان کار دیوان ایجاب می‌کند که مدارک به موقع تسلیم شوند تا اجرای عدالت تضمین و از تضييع حقوق طرفهای دیگر جلوگیری شود. خواهان به هیچگونه اوضاع و احوال استثنایی، و اصولاً به هیچ اوضاع و احوالی، استناد نکرده است که طبق بند ۲ ماده ۲۹ قواعد دیوان، استماع مجدد پرونده و بررسی اسناد

موجود در بایگانی آقای مندل را برای دیوان امکان پذیر نماید. بنابراین، درخواست خواهان برای تجدید استماع بر این مبنی نیز باید رد شود. تصمیم حاضر با بند ۶ حکمی که اخیراً در پرونده ورنی رادنی پوینتون و مری لو پوینتون و دولت جمهوری اسلامی ایران به شماره ۱-۳۲۲-۵۱۶ صادر و در تاریخ اول مردادماه ۱۳۷۰ [۲۳ ژوئیه ۱۹۹۱] به ثبت رسیده است مطابقت دارد. دیوان در حکم مزبور متذکر گردید که رویه معمول دیوان این است که از رسیدگی به لوایح غیر مجازی که بعد از استماع تسلیم می‌شوند امتناع نماید تا عدالت و نظم جریان رسیدگی حفظ و از تضییع احتمالی حقوق سایر طرفهای دعوا جلوگیری شود.

۲ - صلاحیت

۴۲ - در آغاز دیوان خاطرنشان می‌سازد که خواهان ثابت نکرده است که شرایط صلاحیتی موضوع بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی را که مقرر می‌دارد ادعا باید به طور مستمر متعلق به تبعه ایالات متحده باشد، احراز می‌نماید. بند مزبور به شرح زیر است:

ادعاهای اتباع ایران و یا ایالات متحده، برحسب مورد، عبارت است از ادعاهایی که از تاریخ به وجود آمدن ادعا تا تاریخ رسمیت یافتن این بیانیه مستمراً در اختیار اتباع آن کشور بوده‌اند...

۴۳ - دیوان معتقد است در پرونده حاضر ادله کاملاً قانع کننده‌ای ارائه شده که نشان می‌دهند واحد موسوم به "جنرال پتروکمیکالز" که براتهای موضوع اختلاف را امضا کرده، جنرال پتروکمیکالز آنشتالت، یعنی شرکتی است که در لیختن اشتاین تشکیل شده است. به علاوه، همین واحد در موقع بروز ادعا، یعنی هنگامی که ۲۳ برات مذکور حسب ادعا تأدیه نشدند مالک ادعا بوده است. نظر به اینکه تاریخهای سر رسید ۲۳ فقره برات در فاصله زمانی بین دوم خردادماه ۱۳۵۸ [۲۳ مه ۱۹۷۹] تا

۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۱۳ اوت ۱۹۷۹] قرار دارند، دیوان از نظر صلاحیت چنین فرض می‌کند که ادعا طی آن مدت ایجاد شده است. دیوان در بندهای زیر بررسی و تحلیلی از ادله کتبی که تصمیم وی درباره صلاحیت بر آنها مبتنی می‌باشد ارائه می‌دهد.

۴۴ - دیوان نخست ملاحظه می‌کند که در پرونده ادله فراوانی حاکی از موجودیت جنرال پتروکمیکالز آنتالت وجود دارد. خوانندگان به عنوان مدرک، اسناد ثبت شرکت جنرال پتروکمیکالز آنتالت را که در ۷ مردادماه ۱۳۵۵ [۲۹ ژوئیه ۱۹۷۶] در لیختن اشتاین تشکیل شده ارائه داده‌اند. شرکت مزبور در ۲۶ مهرماه ۱۳۶۲ [۱۸ اکتبر ۱۹۸۳] به حالت انحلال درآمد و جریان تصفیه آن در ۲۵ اسفندماه ۱۳۶۵ [۱۶ مارس ۱۹۸۷] خاتمه یافت. طی مدت حیات شرکت نام اشخاصی به عنوان مدیران (Verwaltungsrat) با حق امضاء از طرف شرکت ذکر شده است. از ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۴ [۱۴ فوریه ۱۹۷۶] تا ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۶ نوامبر ۱۹۷۹] شخصی به نام جک انگلندر به تنهایی از طرف شرکت حق امضا داشت. به علاوه، وکیلی به نام دکتر دکتر باتلینر نیز می‌توانست اوراق شرکت را امضا کند مشروط بر اینکه امضای وی همراه با امضای جک انگلندر باشد. خواهان در جلسه استماع اظهار داشت که جک انگلندر مذکور همان جاکوب انگلندر یا انگلندر ارشد بوده است. در ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۵۸ [۶ نوامبر ۱۹۷۹] صاحبان امضا تغییر کردند به طوری که نام یک جک انگلندر جونیور، به عنوان مدیر ذکر شد که به تنهایی حق امضا از طرف شرکت داشت. نام دکتر دکتر باتلینر دیگر جزء صاحبان امضا نبود. خواهان اظهار داشت که جک انگلندر مذکور همان جواخیم انگلندر است که در جلسه استماع حضور یافت. جواخیم انگلندر در جلسه استماع اظهار داشت که اطلاعی درباره جنرال پتروکمیکالز آنتالت ندارد. بعداً اضافه کرد که طبق استنباط وی بنیانگذار آن شرکت عمومی وی، جاکوب بوده است. آقای رفیع اریه در جلسه استماع شهادت داد که نام جنرال پتروکمیکالز آنتالت را شنیده و چنین تصور می‌کرده که جاکوب

انگلندر در این شرکت علایقی داشته است.

۴۵ - دو نامه‌ای که از دفتر حقوقی کردستانی به بانک داریوش و بانک صادرات ارسال شده‌اند ادله کتبی مهمی را در این پرونده تشکیل می‌دهند. در نامه‌هایی که براتها طی آنها به دفتر دکتر کردستانی ارسال شده بودند آمده است که اصل براتها و نیز نامه‌ای از بنکرز تراست پیوست آنها است و در آنها تقاضا به عمل آمده که براتها به برات گیر ارائه شوند و از بانکها درخواست شده که در صورت عدم پرداخت، براتها را واخواست کرده مراتب را به بنکرز تراست اطلاع دهند. در نامه‌ها ذکر شده است که صادر کننده براتها جنرال پتروکمیکالز آنشالت، [واقع در شهر] وادوز می‌باشد. آقای توروسیان یکی از شرکای دارالوکاله کردستانی در جلسه استماع شهادت داد (بنگرید به: بند ۲۱ فوق) و اظهار داشت که وی با براتهای مورد اختلاف آشنایی دارد و دو نامه مزبور را وی امضا کرده است. نامبرده تأیید کرد که به اعتقاد وی صادر کننده براتها باید جنرال پتروکمیکالز آنشالت بوده باشد زیرا وی تلکسی از دکتر هانس هوسی دریافت کرده بود که از وی خواسته بود براتها را ارائه کند و چنانچه در موردی پرداخت صورت نگیرد از طرف جنرال پتروکمیکالز آنشالت واخواست نماید. علاوه بر این، تلکسهای آقای توروسیان در پاسخ دکتر هوسی که در آنها مطلب حقوقی به عنوان مسئله‌ای مرتبط با جنرال پتروکمیکالز آنشالت مورد بحث واقع شده بود به عنوان ادله ارائه شده‌اند.

۴۶ - خوانندگان چندین مدرک در ارتباط با دعوای کارخانجات تولیدی علیه دیاموند شمراک کورپوریشن (بنگرید به: بند ۲۰ فوق) ارائه کرده‌اند. در این اسناد مکرراً به جنرال پتروکمیکالز آنشالت اشاره شده است. به طوری که در بالا آمده است، جوزف مندل وکیل نیویورکی که به عنوان نماینده "جنرال پتروکمیکالز آنشالت و جنرال پتروکمیکالز" عمل می‌کرد در ۷ اسفندماه ۱۳۵۹ [۲۶ فوریه ۱۹۸۱] اظهاریه‌ای [برای مطالبه محکوم به] در دعوای مزبور به ثبت رساند. در آن اظهاریه مطالبه‌ای

از طرف "جنرال پتروکمیکالز آنشتالت، واقع در آئولین اشتراسه، شهر وادوز در لیختن اشتاین، همچنین مشهور به جنرال پتروکمیکالز، دارای دفتر واقع در خیابان ۵۳ شرقی شهر نیویورک" به عمل آمده و درخواست شده بود که "پرداخت به جنرال پتروکمیکالز آنشتالت، همچنین مشهور به جنرال پتروکمیکالز یا وکیل و امضا کننده ذیل اظهاریه" صورت گیرد. علاوه بر این، اظهارنامه دوجانبه‌ای که در آن دعوا تنظیم شده بود، در این پرونده به عنوان مدرک ارائه شده است. این مدرک توسط آقای مندل امضا شده است که خود را به عنوان "وکیل جنرال پتروکمیکالز آنشتالت" معرفی کرده بود.

۴۷ - بالاخره، خواندگان دو پیوست حاوی اسناد دعوی غیر مرتبطی با داوری حاضر را ارائه کرده‌اند. در این اسناد، که عبارتند از یک قرار توقیف مورخ ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ [۳۰ آوریل ۱۹۸۰] و یک حکم داوری مورخ ۱۶ تیرماه ۱۳۶۲ [۷ ژوئیه ۱۹۸۳]، نام "جنرال پتروکمیکالز آنشتالت" مقیم آئولین اشتراسه شماره ۷۴ به عنوان طلبکار متقاضی قرار توقیف ذکر شده است. مهم اینکه در یکی از اسناد مزبور، نام دکتر هانس هوسی، همان وکیلی که با دفتر دکتر کردستانی مکاتباتی داشت، به عنوان نماینده آن شرکت دیده می‌شود (بنگرید به: بند ۴۴ فوق).

۴۸ - نه تنها این ادله ثابت می‌کنند که مؤسسه فعالی به نام جنرال پتروکمیکالز آنشتالت در لیختن اشتاین به ثبت رسیده بود، بلکه اسناد مربوط به دادگاه در دعوی دیاموند شمراک (مذکور در بندهای ۴۵ و ۴۶ فوق) نیز ثابت می‌کند که جنرال پتروکمیکالز آنشتالت تحت عنوان "جنرال پتروکمیکالز" در نیویورک به امور بازرگانی اشتغال داشته است.

۴۹ - در آن دعوا، آقای رفیع آریه که در آن زمان، سهامدار عمده و رئیس هیأت مدیره کارخانجات تولیدی بود، شهادتنامه‌ای به ثبت رسانده و در آن موضوع

موافقتنامه حل و فصل بین کارخانجات تولیدی و جنرال پتروکمیکالز را به اطلاع دادگاه بخش ایالات متحده ناحیه جنوبی نیویورک رسانده و چنین اشعار داشته است:

طبق موافقتنامه منعقدہ در پاییز ۱۹۷۸ بین کارخانجات تولیدی و جنرال پتروکمیکالز آنشالت به منظور تمدید مهلت پرداخت دیون کارخانجات تولیدی به جنرال پتروکمیکالز، هیأت مدیره کارخانجات تولیدی در اکتبر ۱۹۷۸ سندی را برای انتقال دعوی کارخانجات تولیدی در پرونده فوق به جنرال پتروکمیکالز واقع در شماره ۱ خیابان ۵۳ شرقی شهر نیویورک امضا کرده است. من به عنوان رئیس هیأت مدیره انتقال مذکور را به نفع جنرال پتروکمیکالز مقیم شماره ۱ خیابان ۵۳ شرقی شهر نیویورک، که در آن زمان دفتر نمایندگی جنرال پتروکمیکالز آنشالت، مقیم شماره ۷۴ آئولین اشتراسه، شهر وادوز لیختن اشتاین بود، تأیید، تصویب و امضاء کردم.

شهادتنامه مزبور نشان می‌دهد که در سال ۱۹۷۸ جنرال پتروکمیکالز آنشالت حداقل برای بعضی مقاصد، به عنوان جنرال پتروکمیکالز نیویورک یا از طریق آن عمل می‌کرده است. آقای اریه در جلسه استماع تأیید نمود که موافقتنامه منعقدہ بین کارخانجات تولیدی و جنرال پتروکمیکالز آنشالت راجع به براتهایی است که در دیوان تحت رسیدگی می‌باشند.

۵۰ - بالاخره، دیوان نتیجه می‌گیرد که موعسه مالک ۲۳ فقره برات و هرگونه ادعای مربوط به آنها جنرال پتروکمیکالز آنشالت بوده است. خواهان سند واگذاری حقوق مالکیت و منافع کارخانجات تولیدی در دعوی دیاموند شمراک به جنرال پتروکمیکالز را به عنوان بخشی از مدارک خود ارائه کرده است (دیوان یادآور می‌شود که اصالت این سند نیز مورد اعتراض خوانندگان قرار گرفته است). این سند نشان می‌دهد که منافع دعوی مزبور در برابر تمدید مهلت دوازده ماهه پرداخت ۲۳ فقره برات مورد اختلاف، و هزینه‌های مربوطه واگذار شده بود. در نتیجه، دیوان یادآور می‌شود که موعسه‌ای که متعاقباً در دعوی دیاموند شمراک مدعی داشتن حق یا

عنوان مالکیت یا منفعتی بوده، باید همان مؤسسه‌ای باشد که اختیار تمدید آن براتها را داشته، یعنی اینکه مالک براتهای مورد اختلاف بوده است.

۵۱ - مؤسسه‌ای که در دعوی دیاموند شمراک [برای مطالبه محکوم به دعوی] اظهاریه ثبت کرد جنرال پتروکمیکالز آنشتالت بوده که به جنرال پتروکمیکالز نیویورک نیز شهرت داشته است (بنگرید به: بند ۴۵ فوق). دیوان متقاعد شده که این جنرال پتروکمیکالز آنشتالت بود که حقوق خود را در آن دعوا به اجرا درآورد. اولاً در اظهاریه، شرکت تشکیل یافته در لیختن اشتاین صریحاً به عنوان ثبت کننده آن مشخص شده است. ثانیاً در زمانی که دادخواست در ۴ اردیبهشت ماه ۱۳۶۰ [۲۴ آوریل ۱۹۸۱] به ثبت رسید، جنرال پتروکمیکالز نیویورک، حسب ادعا، تشکیل یافته بود. طبق اظهارات جواخیم انگلندر در جلسه استماع، وکیلی که کلیه کارهای حقوقی مربوط به ثبت شرکت را انجام داد جوزف مندل بود. بنابراین آقای مندل به خوبی از وجود شرکت تشکیل یافته در نیویورک آگاه بود. ولی هنگامی که وی اظهاریه را در دعوی دیاموند شمراک تنظیم کرد، آن را از طرف این شرکت تسلیم نکرد، بلکه به عنوان "نماینده جنرال پتروکمیکالز آنشتالت، همچنین مشهور به جنرال پتروکمیکالز" عمل نمود، او از طرف جنرال پتروکمیکالز آنشتالت طرح ادعا کرد. به دلایل مذکور در بندهای ۴۲ تا ۵۰ و آنچه که در این بند آمده است، دیوان متقاعد گردیده که "جنرال پتروکمیکالز" امضا کننده براتها همان جنرال پتروکمیکالز آنشتالت بوده است.

۵۲ - مضافاً، همانطور که در بند ۴۳ فوق آمده است، دعوی حاضر در فاصله زمانی بین ۲ خردادماه لغایت ۲۲ مردادماه ۱۳۵۸ [۲۳ مه و ۱۳ اوت ۱۹۷۹] که حسب ادعا، سررسید ۲۳ فقره برات بوده، ایجاد شده است. به طور قطع ثابت شده است که آن براتها و هر ادعای مربوط به آنها حداقل در دوره ذریبط در تملک جنرال پتروکمیکالز آنشتالت قرار داشته است. مدارک موجود پرونده در مورد تابعیت

مالکین این واحد تجاری که در لیختن اشتاین به ثبت رسیده کاملاً ساکت است. در نتیجه خواهان ثابت نکرده است که شرایط صلاحیتی مقرر در بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی را، که به موجب آن دعوا باید به طور مستمر در تملک یک تبعه ایالات متحده باشد، حائز است. بنابراین، دعوا باید به لحاظ فقد صلاحیت رد شود. بر این اساس، دیوان اخذ تصمیم درباره بقیه موضوعات صلاحیتی و ماهوی را ضروری نمی‌داند.

۵۳ - نظر به اینکه دعوا به لحاظ عدم صلاحیت رد شده است، دعاوی متقابل مطروح توسط کارخانجات تولیدی و گروه تولیدی نیز به تبع آن به لحاظ عدم صلاحیت رد می‌شوند. برای نمونه بنگرید به: صفحات ۵۵ - ۵۳ حکم جزئی شماره ۳-۳۰۲-۱۸۶ مورخ ۲۸ مردادماه ۱۳۶۴ [۱۹ اوت ۱۹۸۵] صادره در پرونده اینترنشنال تکنیکال پروداکتس کوریوریشن و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 10,38 Iran-U.S. C.T.R. 9۰

۳ - هزینه‌ها

۵۴ - خواندگان در لوایح خود از دیوان درخواست کرده‌اند که بابت هزینه‌های متحمل در دفاع از دعوا حکمی به نفع آنها صادر نماید. شرح هزینه‌ها به دیوان تسلیم نشده است. باتوجه به اوضاع و احوال پرونده، به نظر دیوان منطقی است که هر یک از طرفین هزینه‌های مربوط به خود را تقبل نماید.

چهارم - حکم

۵۵ - به دلایل پیشگفته،


دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌کند:

الف) دعوی جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن علیه جمهوری اسلامی ایران ، کارخانجات تولیدی تهران و گروه تولیدی تهران به لحاظ فقد صلاحیت مردود است.

ب) دعاوی متقابل مطروح توسط کارخانجات تولیدی تهران و گروه تولیدی تهران علیه جنرال پتروکمیکالز کورپوریشن به لحاظ عدم صلاحیت مردودند.

ج) هر یک از طرفین باید هزینه‌های داوری مربوط به خود را تقبل نماید.

لاشه، به تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۷۰ برابر با ۲۱ اکتبر ۱۹۹۱.

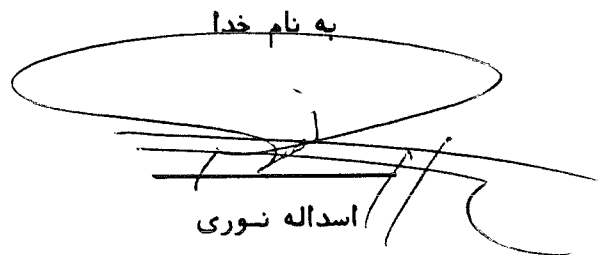


بنگت برومبس
رئیس شعبه یک



هوارد ام. هولتزمن

به نام خدا



اسداله نوری